

جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م.)

مقدمه

دولت مقتدری که بیسمارک در آلمان به وجود آورد تا اوایل قرن بیستم سیاستی توسعه طلبانه را دنبال کرد. این دولت در کشمکش‌های اروپایی نقش چشمگیری داشت. همین کشمکش‌ها عاقبت آتش جنگ جهانی اول را روشن کرد. در این درس با علت‌ها و پیامدهای این جنگ آشنا می‌شوید.

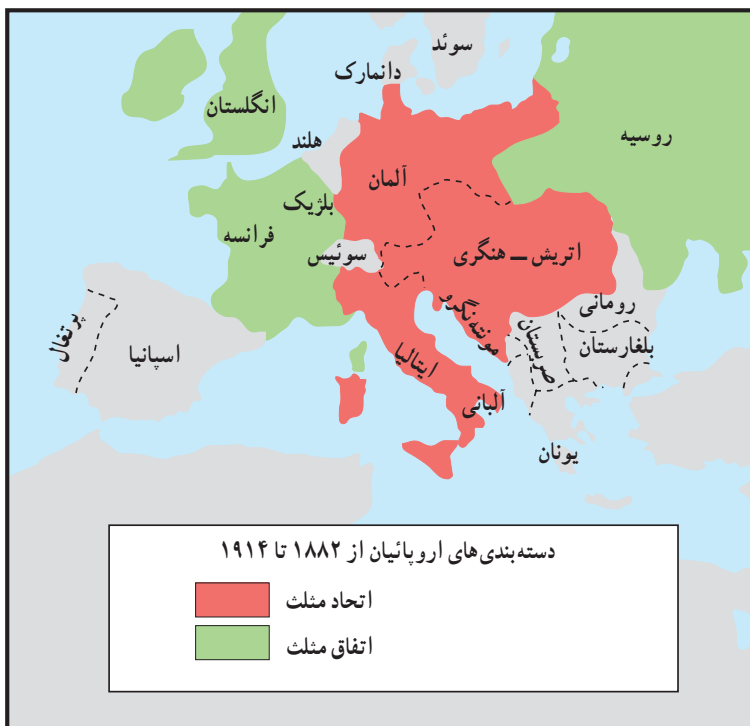
زمینه‌های بروز جنگ

جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م. آغاز شد و بروز آن در نتیجه عوامل متعددی بود که در اینجا به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- رقابت امپراتوری‌های روسیه، اتریش - مجارستان و عثمانی بر سر شبه‌جزیره بالکان: عثمانی‌ها در شبه‌جزیره بالکان همواره با قدرت‌هایی چون اتریش و روسیه روبه‌رو بودند. روس‌ها که از نژاد اسلاو بودند و خود را برادر خوانده ملت‌های اسلاو جنوبی - یعنی ملت‌های بالکان - می‌دانستند، همیشه بر سر تصاحب این منطقه با دولت عثمانی در حال جنگ بودند. اتریشی‌ها هم که بالکان را دروازه اروپا می‌دانستند، نمی‌خواستند عثمانی‌ها بر این دروازه مسلط باشند. در واقع، آنان خاطره تلخ محاصره وین به دست عثمانی‌ها را فراموش نکرده بودند و از این رو، به مخالفان دولت عثمانی کمک می‌کردند. شورش صرب‌ها، یونانی‌ها، اهالی مونتنگرو، بوسنی و هرزه‌گوین و استقلال آنها از سیطره عثمانی نتیجه رقابت این امپراتوری‌ها بود. بحران بالکان و سایر بحران‌ها، عثمانی را آن قدر ضعیف کرد که به مرد بیمار اروپا معروف شد؛ از این رو، برای نجات خود مجبور شد به آلمان نزدیک شود.

۱- به این جنگ «جنگ بزرگ» نیز گفته‌اند؛ زیرا تا آن زمان (۱۹۱۴) در اروپا جنگی با این ابعاد وسیع و خسارت زیاد به وقوع

نیویسته بود.



۲- اختلافات شدید آلمان و فرانسه: از سال ۱۸۷۱ م. به بعد، دو کشور آلمان و فرانسه به ظاهر در حال صلح اما در واقع آمادهٔ جنگ باهم بودند؛ زیرا آلمان‌ها آلزاس^۱ و لورن^۲ را که به فرانسه تعلق داشت، اشغال کرده بودند؛ بنابراین، فاصلهٔ زمانی ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۴ م. را که طرفین در حال مسلح کردن خود بودند، «دورهٔ صلح مسلح» می‌گویند. این دو دولت که منتظر بهانه‌ای برای آغاز جنگ بودند، سعی داشتند، در دسته‌بندی‌های بین‌المللی علیه یکدیگر شرکت کنند؛ سرانجام فرانسه، روسیه و انگلستان «اتفاق مثلث» را تشکیل دادند و آلمان، اتریش - مجارستان، ایتالیا نیز، «اتحاد مثلث» را به وجود آوردند. البته ایتالیا به سبب اختلافاتی که با اتریش داشت، یک سال پس از شروع جنگ به متفقین یا اتفاق مثلث پیوست.

۳- رقابت شدید آلمان با انگلستان: در همین زمان قیصر ویلهلم^۲ دوم، امپراتور آلمان، اعلام کرد که کشور او باید «مکانی زیر آفتاب» داشته باشد. از آنجا که انگلستان با نیروی دریایی خویش به بزرگ‌ترین کشور استعمارگر تبدیل شده بود، در رقابت با این کشور، قیصر دستور داد تا نیروی دریایی

۱- Alsace

۲- Lorraine

۳- Wilhelm

آلمان نیز از نظر تعداد ناوگان و ظرفیت به حدی برسد که بتواند ضمن اعمال قدرت در اروپا، در کشورهای آسیا و آفریقا مستعمراتی به دست آورد تا در عین حال فضای حیاتی^۱ نیز برای خود دست و پا کرده باشد.

آغاز جنگ بزرگ

در ژوئن ۱۹۱۴م. با کشته شدن ولیعهد اتریش^۲ به دست یک جوان صرب در شهر سارایو، جنگ اول جهانی آغاز شد و کشورهای عضو اتحاد و اتفاق مثلث به جان هم افتادند. این جنگ به مدت چهار سال، یعنی تا سال ۱۹۱۸م. ادامه یافت و تلفات و خسارات زیادی به بسیاری از کشورها وارد آورد.

به محض شروع جنگ در سال ۱۹۱۴م. کشورهای چین، ژاپن، رومانی، پرتغال و سپس ایالات متحده آمریکا نیز به اتفاق مثلث پیوستند. کشورهای بلغارستان و عثمانی نیز جانب آلمان و اتریش - مجارستان را گرفتند. ایتالیا هم بعد از یک سال که از جنگ می‌گذشت، به متفقین پیوست. روسیه، که در اثر شکست از ژاپن در سال ۱۹۰۵م. دچار ضعف شده بود، در چند جبهه از قوای آلمان شکست خورد و در داخل، در سال ۱۹۱۷م. گرفتار انقلاب ضد سلطنتی شد که در نتیجه آن، تزار روسیه مجبور به استعفا شد و دولتی موقت در روسیه روی کار آمد. «لنین»^۳ که رهبر انقلاب بود، دولت موقت را نیز برانداخت و یک جمهوری کمونیستی را در این کشور بر سر کار آورد. وی برای آنکه بتواند با ضدانقلاب داخلی مبارزه کند، با آلمان صلح کرد و امتیازات زیادی به این کشور داد؛ بنابراین، آلمان با خیال آسوده در جبهه غرب با فرانسه جنگ را به شدت ادامه داد ولی به دو علت از فرانسه و در نهایت، در جنگ بزرگ شکست خورد. یکی اینکه انگلیسی‌ها از تانک که سلاح جدیدی بود، علیه آلمانی‌ها استفاده کردند، و دیگر اینکه در سال ۱۹۱۷م. آمریکا با قوای تازه نفس به کمک فرانسه آمد و به همین جهت متفقین توانستند آلمان را شکست دهند. سرانجام در نوامبر ۱۹۱۸م. آلمان بدون قید و شرط تسلیم شد.

در جبهه عثمانی (متحد آلمان) نیز وضع جنگ به ضرر عثمانی بود؛ زیرا انگلیسی‌ها در هر گوشه اعراب را تشویق به قیام علیه عثمانی کرده بودند؛ در نتیجه، سپاه عثمانی شکست خورد.

۱- فضای حیاتی: سرزمین مورد نیاز برای زندگی و پیشرفت یک ملت

۲- فرانتس فردیناند، فرزند فرانسوا ژوزف



اشتغال مردان به امور نظامی در دوران جنگ جهانی اول باعث حضور بیش از پیش زنان اروپایی در فعالیت‌های اقتصادی شد. در جریان جنگ جهانی اول برای نخستین بار از هواپیمای نظامی استفاده شد.



یک توضیح

بیرون از دایره جنگ!

در همان هنگام که اکثر دولتمردان در اروپا و آمریکا در تدارک آغاز جنگ بودند، فعالیت‌های دیگری نیز جریان داشت. در اوایل قرن بیستم، نخستین بازی فوتبال به نام «تورنمنت گل‌سرخ‌ها» قبل از جنگ در شهر «پاسادنا» در ایالت کالیفرنیا آمریکا برگزار شد که در آن، تیم میشیگان بر تیم استنفورد پیروز شد. در انگلستان، اقتصاددان بزرگی به نام «کپنز»^۱ برای پایان دادن به بحران اقتصادی بعد از جنگ نظریاتی داد و «صلح ورسای» را به «صلح کارناژ» تشبیه کرد؛ زیرا رومی‌ها نیز با تحمیل صلح ظالمانه توانسته بودند کارناژ را نابود کنند. در آلمان آلبرت اینشتین^۲ طی مقاله‌ای ثابت کرد که نور از ذرات بسیار ریزی به نام «فوتون» تشکیل شده و در مورد انرژی حاصل از شکافته شدن اتم نظریه‌ای داد که در حکم انقلاب در علم فیزیک بود.

۱_ Keynes

۲_ Albert Einstein

نتایج و پیامدهای جنگ جهانی اول

۱- کشتار و ویرانی گسترده: جنگی که بر اثر زیاده‌خواهی‌های سیاسی و نظامی و سیطره‌جویی رهبران و دولتمردان اروپایی رخ داد، ده‌ها میلیون انسان اعم از نظامی و غیر نظامی را در سراسر جهان کشت و مجروح کرد؛ صدها هزار نفر را آواره و بی‌خانمان ساخت و خسارت و ویرانی‌های بسیاری به‌بار آورد.

۲- تسلیم آلمان و خلع سلاح آن کشور: پس از پایان جنگ، متفقین به خلع سلاح کامل آلمان پرداختند و کلیه تجهیزات نظامی و صنعتی این کشور را به نفع خود مصادره کردند.

۳- قرارداد ورسای: شرکت‌کنندگان اصلی در کنفرانس ورسای (در پاریس) عبارت بودند از: ویلسون^۱، رئیس‌جمهور آمریکا، لوید جرج^۲، نخست‌وزیر انگلیس، کلیمانسو^۳، نخست‌وزیر فرانسه و اورلاندو^۴، نخست‌وزیر ایتالیا. در این کنفرانس، متفقین مستعمرات آلمان را بین خود تقسیم کردند و علاوه بر آن، بخشی از قلمرو آلمان را به انضمام بندر «دانزیگ»^۵ به لهستان دادند. همچنین قرار شد که آلمان به متفقین غرامت بپردازد.

بعد از صلح ورسای، متفقین مجارستان را از اتریش جدا کردند و به آن استقلال دادند. امپراتوری عثمانی نیز تجزیه شد. انگلستان و فرانسه، سرزمین‌های عرب‌نشین آن امپراتوری را میان خود تقسیم کردند و از باقیمانده قلمرو عثمانی، کشور ترکیه به‌وجود آمد.



صحنه‌ای از کنفرانس ورسای

۱- Wilson

۲- Leloyd George

۳- Clemenceau

۴- Orlando

۵- دانزیگ کنونی

به نظر شما، علل و عوامل فروپاشی امپراتوری عثمانی چه بود؟

۴- تشکیل جامعه ملل : ویلسون، رئیس جمهور آمریکا، در کنفرانس ورسای، چهارده اصل را مطرح کرد که اصل چهاردهم آن درباره تشکیل جامعه ملل، با هدف تأمین استقلال کشورهای جهان و حفظ صلح و امنیت بین المللی بود. جامعه ملل در «ژنو» تشکیل شد ولی بعدها به علت خروج ژاپن، ایتالیا و آلمان از آن وجودش بی اثر شد. با این حال، مقدمه ای بر تأسیس سازمان ملل متحد بود که در سال ۱۹۴۶م. شروع به کار کرد.

بیشتر بدانیم

سیطره انگلستان و فرانسه بر سرزمین های اسلامی خاورمیانه

پاریس و لندن در جریان جنگ جهانی اول و پس از آن، در مورد تقسیم امپراتوری عثمانی میان خود به توافق رسیده بودند و تصمیم جامعه ملل در ۱۹۲۱ م. برای واگذاری قیمومیت سرزمین های اسلامی خاورمیانه به انگلستان و فرانسه، در واقع فقط به این تقسیم جنبه قانونی بخشید. براساس تصمیم جامعه ملل، سرزمین های لبنان و سوریه تحت قیمومیت فرانسه قرار گرفت و عراق، فلسطین و اردن تحت سیطره انگلستان درآمد. اگرچه سپردن حاکمیت سرزمین های اسلامی به فرانسه و انگلیس، خشم مردم مسلمان منطقه را برانگیخت، اما این دو کشور، سلطه خود را بر سوریه، لبنان، عراق، اردن، عربستان و نواحی ساحلی جنوب خلیج فارس تحکیم بخشیدند و به ویژه انگلیسی ها، زمینه لازم را برای تشکیل شیخ نشین های عرب وابسته در مناطق جنوبی خلیج فارس و دولت نامشروع صهیونیستی در فلسطین، فراهم کردند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چرا سال‌های ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۴ م. را «دوران صلح مسلح» می‌گویند؟
- ۲- بعد از شکست آلمان در جنگ جهانی اول، چه قرار دادی بر آلمان تحمیل شد؟ جزئیات آن را شرح دهید.
- ۳- چرا جامعه ملل نتوانست به اهداف خود دست یابد؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره یکی از شخصیت‌های تاریخی این درس، به‌طور خلاصه، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره موقعیت ایران در جنگ جهانی اول تحقیق کنید و به کلاس گزارش دهید.

جهان در میان دو جنگ (۱۹۱۸ - ۱۹۳۹ م.)

مقدمه

بسیاری از کشورهای اروپایی از نتایج جنگ جهانی اول و قرارداد ورسای ناراضی بودند و جهان همچنان درگیر بحران‌هایی بود که قبل از این جنگ هم با آن روبه‌رو بود؛ به‌همین جهت، پس از پایان جنگ اول دسته‌بندی‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای ادامه یافت. یکی از ویژگی‌های این دوره هم ظهور دیکتاتورهای قدرتمند در عرصه جهان بود. در این درس با دسته‌بندی دولت‌ها بین دو جنگ و بحران‌های ناشی از آن آشنا می‌شوید.

اروپا

۱- روسیه و حاکمیت کمونیست‌ها: دولت موقت روسیه با کودتای بلشویک‌ها در نوامبر ۱۹۱۷ م. سقوط کرد و لنین رهبر بلشویک‌ها زمامدار روسیه شد و حکومت کمونیستی تشکیل داد. چون حکومت کمونیستی بر پایه تشکیل شوراهای کارگران و کشاورزان پا گرفت (به این شوراها «ساویت»^۱ گفته می‌شد) از آن پس، روسیه «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی»^۲ خوانده شد. لنین پایتخت را از پتروگراد^۳ به مسکو انتقال داد و مزارع کشاورزی اشتراکی به نام «کالخوز»^۴ تشکیل داد تا مالکیت فردی را از میان بردارد. اما چون در سال ۱۹۲۱ م. قحطی بروز کرد و بهره‌وری کالخوزها بسیار کم شد، سیاست جدید اقتصادی مشهور به نپ^۵ را در پیش گرفت که طی آن، مالکیت خصوصی تا حدی مجاز شمرده می‌شد. لنین در سال ۱۹۲۴ م. درگذشت و استالین به رهبری شوروی رسید. استالین به کمک «سازمان امنیت دولتی»^۶ همه رقبای خود را از میدان به در کرد و به دهقانان خرده مالک

۱- Soviet

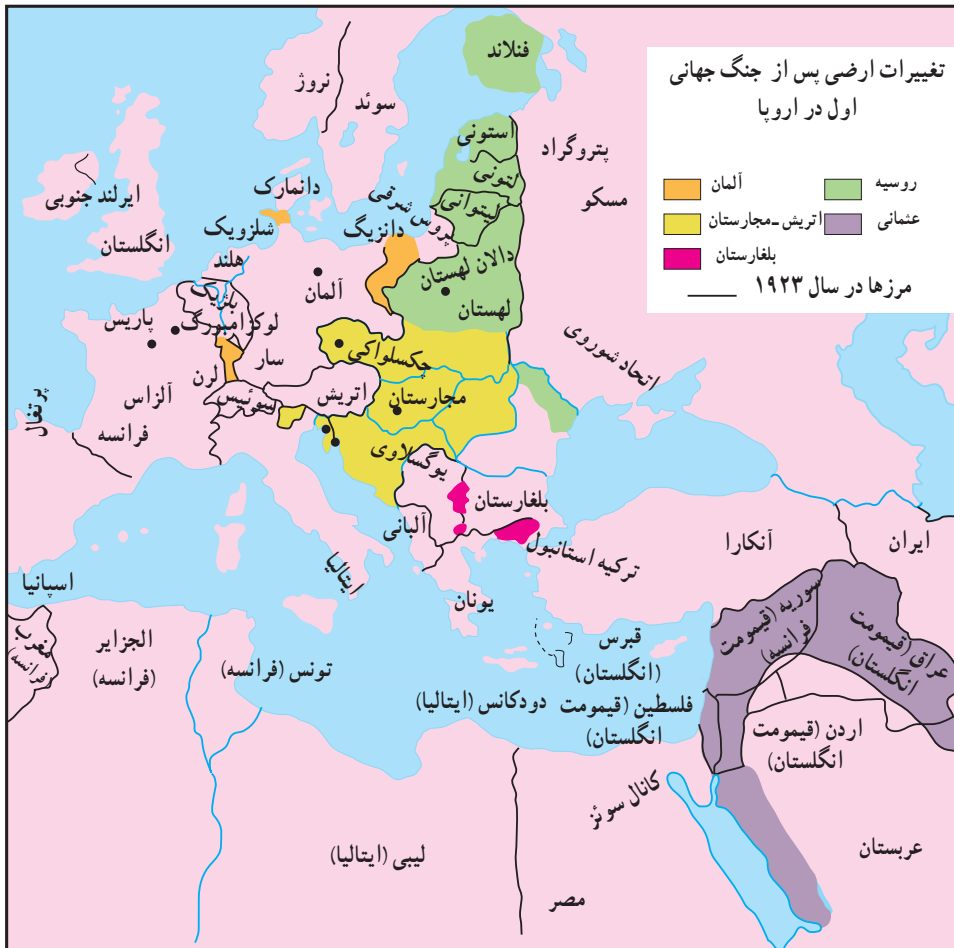
۲- Union of Soviet Socialist Republics

۳- Petrograd

۴- Kolkhose

۵- NEP

۶- K - G - B



نیز فشار آورد که املاک خود را به مزارع اشتراکی تحویل دهند و به عنوان کارگر کار کنند اما چون آنها از این کار خودداری کردند، حدود ده میلیون نفر از آنها را کشت و عده زیادی را نیز به سیبری تبعید کرد. استالین در اوایل سال ۱۹۳۹م. پیش از شروع جنگ دوم جهانی، تصمیم گرفت که با هیتلر بر سر لهستان سازش کند؛ در نتیجه، شوروی و آلمان ضمن عقد قرارداد محرمانه عدم تجاوز، لهستان را بین خود تقسیم کردند و مقرر شد که بعد از حمله هیتلر به لهستان، ارتش شوروی نیز از سمت شرق به این کشور حمله کند.

۲- ایتالیا و حکومت فاشیستی: در سال‌های میان دو جنگ، روزنامه‌نگاری به نام موسولینی^۱ از نارضایتی مردم ایتالیا استفاده کرد و حزب «فاشیسم» را تشکیل داد. او ادعا می‌کرد که می‌خواهد عظمت روم باستان را برای ایتالیا احیا کند. موسولینی توانست فرمان نخست‌وزیری را از پادشاه ایتالیا بگیرد و به خود لقب «دوچه»^۲ یا پیشوا بدهد و مانند هیتلر با توسل به شیوه‌های نژادپرستانه حکومت کند. او به همراه رهبران آلمان و ژاپن به بهانهٔ مبارزه با کمونیسم، «دولت‌های محور» را به وجود آوردند.

۳- آلمان و ظهور هیتلر: در سال‌های پس از



آدلف هیتلر

جنگ جهانی اول، میهن‌پرستان، سرمایه‌داران، و صاحبان صنایع در آلمان به این فکر بودند که کشور خود را از غرامت‌های قرارداد ورسای و خطر کمونیسم رها کنند. یکی از اعضای حزب ناسیونال سوسیالیست (نازی)، به نام آدولف هیتلر^۳ با شعار برتری نژاد ژرمن و با شور و حرارت خاصی ادعا می‌کرد که این خواسته‌ها را برآورده خواهد کرد. حزب نازی در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۳۳ م. اکثر کرسی‌های مجلس آلمان را به دست آورد؛ در نتیجه هیتلر به دستور رئیس‌جمهور آلمان^۴، صدراعظم شد و بعد از مرگ رئیس‌جمهور به خود لقب پیشوا^۵ داد. او نخست قرارداد ورسای را لغو کرد، سپس دو منطقهٔ مورد اختلاف در مرز آلمان و فرانسه را به تصرف درآورد^۶ و برای دفاع از آلمان در برابر حملهٔ احتمالی فرانسه یک خط دفاعی^۷ ساخت؛ همچنین به کمک وزیر اقتصاد آلمان^۸ تورم را مهار و به کمک کمپانی «کروپ» صنایع آلمان را احیا کرد. هیتلر تا سال ۱۹۳۹ م. آلمان را آمادهٔ ورود به جنگی بزرگ کرد.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، چه شباهت‌هایی میان حکومت هیتلر و حکومت موسولینی وجود دارد؟

۱- Mussolini ۲- Duce ۳- Adolf Hitler ۴- Hindenburg (هیدنبورگ) ۵- Fuhrer

۶- ناحیهٔ رناتی و ناحیهٔ سار

۷- SigFried زیگفرید

۸- دکتر شناخت



قهرمانی یک سیاه پوست و خشم هیتلر

در تابستان ۱۹۳۶م. بازی‌های المپیک برلین با تبلیغات نازیسم توأم شد. نازی‌ها طرفدار برتری نژاد ژرمن بر دیگر نژادها بودند، اما در جریان این بازی‌ها و در جلوی چشم هیتلر، دوندۀ سیاه‌پوست آمریکایی **جسی اوونس** با آوردن چهار مدال طلا در مسابقات دو و میدانی، خط بطلانی بر ادعای نازیست‌ها کشید؛ از این جهت، هیتلر خشمگین شد و با این ورزشکار دست‌نداد.

بحران‌های جهان در میان دو جنگ

اسپانیا و جنگ داخلی: در سال ۱۹۳۱م. آلفونس سیزدهم^۱، پادشاه اسپانیا در اثر شورش جمهوری خواهان از کشور گریخت و حکومت جمهوری در کشور برقرار شد. چندی بعد، یکی از سلطنت‌طلبان اسپانیا به نام **مارشال فرانکو**^۲ با پشتیبانی هیتلر و موسولینی و به قصد تصاحب قدرت به اسپانیا رفت. شوروی و فرانسه که طرفدار جمهوری خواهان بودند، با فرستادن سلاح به اسپانیا، چریک‌های کمونیست را تقویت می‌کردند و در مقابل، آلمان نیز، مدرن‌ترین سلاح‌ها را به طرفداران فرانکو می‌داد. بالاخره بعد از آن که یک میلیون نفر در اسپانیا کشته شدند، مارشال فرانکو در اکتبر ۱۹۳۹م. قدرت را به دست گرفت و با ژاپن، آلمان و ایتالیا پیمان دوستی بست.

اتریش و چک اسلواکی: از آن‌جا که هیتلر اصالت اتریشی داشت، در صدد برآمد اتریش را به آلمان الحاق کند. به دستور او، زمامداران اتریش یک همه‌پرسی برگزار کردند که نتیجه آن موافقت با الحاق اتریش به آلمان بود^۳. به دنبال آن اتریش توسط ارتش نازی اشغال شد. هیتلر سپس در کنفرانس مونیخ (۱۹۳۸م.) موافقت ایتالیا، فرانسه و انگلستان را با الحاق منطقه سودت^۴ (که ساکنان آن آلمانی بودند) به آلمان، جلب کرد. اما وی علاوه بر سودت، تمام خاک چک اسلواکی را به تصرف خود درآورد.

۱_ Alfonso XIII

۲_ M – Franco

۳_ ۱۹۳۸م.

۴_ Sudetes

آسیا و آفریقا

در ابتدای دهه چهارم قرن بیستم، ژاپن، به بهانه پیدا کردن فضای حیاتی، به منچوری لشکر کشید و بخشی از چین را اشغال کرد. در این حال چیان کای شک^۱، رئیس جمهور وقت چین، مجبور بود در دو جبهه با ژاپنی‌ها و با نیروهای «مائو» رهبر حزب کمونیست چین بجنگد. در هندوستان نیز گاندی برای آزادی و استقلال هند تلاش می‌کرد.

در خاورمیانه عربی، کشورهای منطقه بین فرانسه و انگلستان تقسیم شدند، ولی به تدریج عراق، به رهبری فیصل اول، با سپردن تعهداتی به انگلستان، مستقل شد. در اردن ملک عبدالله، فرزند شریف حسین، هنوز تحت سلطه انگلستان حکومت می‌کرد. در نجد و حجاز، تحت نظارت انگلستان حکومت آل سعود تشکیل شد.

در فاصله دو جنگ، در قاره آفریقا فقط سه کشور مستقل^۲ وجود داشت و بقیه مستعمره فرانسه، انگلستان و دیگر دولت‌های اروپایی بودند. در شمال آفریقا، کشور مصر در زمان ملک فؤاد اول با شرایطی خود را از قید استعمار انگلستان رها کرد ولی لیبی همچنان تحت سلطه استعمار ایتالیا بود و عمر مختار در راه آزادی لیبی در سال ۱۹۳۱م. به شهادت رسید. تونس و مراکش نیز که تحت سلطه فرانسه بودند، بعد از جنگ جهانی دوم به استقلال رسیدند.

تجاوز لشکریان موسولینی به اتیوپی و فرار امپراتور این کشور^۳، مهم‌ترین رویدادی بود که در فاصله بین دو جنگ در قاره آفریقا اتفاق افتاد. بی‌اعتنایی دیکتاتور ایتالیا به جامعه ملل و خروج این کشور از آن جامعه موجب بی‌اعتباری بیش از پیش جامعه ملل شد.

۱ - Chiang - Kai Shek

۲ - لیبیا، اتیوپی و آفریقای جنوبی

۳ - هیلاس لاسی

پرسش‌های نمونه

- ۱- نین چگونه قدرت را در روسیه به دست گرفت؟
- ۲- استالین چگونه رقیبان خود را از میان برداشت؟
- ۳- رفتار استالین نسبت به خرده مالک‌ها چگونه بود؟
- ۴- هیتلر تحت چه شرایطی در آلمان به حکومت رسید؟
- ۵- بحران اسپانیا را در میان دو جنگ اول و دوم جهانی شرح دهید.

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- در مورد دیکتاتورهایی که در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم به قدرت رسیدند و مهم‌ترین ویژگی‌های هر یک مطلبی تهیه کنید.
- ۲- فهرستی از اصطلاحات سیاسی درس را بنویسید و در مورد هر یک به اختصار توضیح دهید.

جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵ م.)

مقدمه

در درس قبل با اوضاع جهان بعد از جنگ جهانی اول آشنا شدید و دریافتید که در این سال‌ها، چگونه بحران‌های بین‌المللی، جهان را در معرض یک جنگ بزرگ دیگر قرار داده بود. در این درس با چگونگی جنگ جهانی دوم و برخی از پیامدهای آن آشنا می‌شوید.

حمله آلمان به لهستان و آغاز جنگ

در اول سپتامبر ۱۹۳۹ ارتش آلمان با یک حمله برق‌آسا به لهستان، توانست ورشو، پایتخت این کشور، را فتح کند؛ در همان زمان، قوای شوروی نیز از سمت شرق وارد لهستان شدند و طبق توافق قبلی، لهستان بین آنها تقسیم شد. فرانسه و انگلستان که استقلال لهستان را تضمین کرده بودند، آمادهٔ مقابله با آلمان شدند. ارتش آلمان در ۱۹۴۰ م، از طریق تسخیر بلژیک، وارد خاک فرانسه شد و با تصرف آن کشور، دولتی دست‌نشانده بر سر کار آورد.^۱

جنگ در جبهه غرب و بالکان

ارتش آلمان بعد از تسلیم فرانسه، هلند و بلژیک، به سرعت لوگزامبورگ و نروژ را تسخیر کرد و به کمک ایتالیا به بالکان لشکر کشید. در این لشکرکشی آلبانی نصیب ایتالیا شد و آلمان نیز پس از تصرف یوگسلاوی، رومانی را به جنگ آورد؛ زیرا به نفت رومانی احتیاج داشت. از جانب دیگر، لشکریان آلمان و ایتالیا به شمال آفریقا حمله کردند. از سال ۱۹۴۰ م. به بعد، جنگ شدید

۱- باورود ارتش نازی به فرانسه، دولت فرانسه به رهبری ژنرال دوگل سقوط کرد و مارشال پتن نخست‌وزیر شد. پس از آن دوگل تا ۱۹۴۴ م. که پاریس فتح و از دست نازی‌ها خارج شد، خود را رئیس دولت فرانسهٔ آزاد می‌دانست.

هوایی بین آلمان و انگلستان آغاز شد که در جریان آن، شهرهای انگلستان هر روز بمباران می‌شد؛ علاوه بر این، زیردریایی‌های آلمان برای محاصره انگلستان حتی به کشتی‌های کشورهای بی‌طرف نیز هجوم می‌بردند.



جنگ در جبهه شرق

ارتش آلمان با اینکه در جبهه غرب با انگلستان درگیر یک نبرد سنگین هوایی بود، در ۱۹۴۱ م. به طور ناگهانی و غیرمنتظره به شوروی حمله کرد و به سوی مسکو حرکت کرد ولی مسکو، پایتخت شوروی، سرسختانه ایستادگی کرد. استالین به رغم اینکه کمونیست و اصولاً با دین مخالف بود، کلیساها را باز کرد و مردم را در اجرای مراسم دینی آزاد گذاشت. او این جنگ را یک جنگ میهنی اعلام کرد تا همه مردم بر ضد آلمان بسیج شوند. در همین سال دو حادثه روی داد که به نفع شوروی تمام شد. نخست اینکه نیروی دریایی آلمان به کشتی‌های آمریکایی حمله کرد؛ دوم اینکه ناوگان آمریکا در بندر پرل هاربور^۲ توسط ژاپنی‌ها که متحد آلمان بودند، مورد حمله قرار گرفت؛ بنابراین، آمریکا مستقیماً علیه دولت‌های محور وارد جنگ شد. متفقین از طریق اشغال نظامی ایران^۳، کمک‌های تسلیحاتی و تدارکاتی زیادی را روانه شوروی کردند^۴. ابتدا پیشروی نیروهای آلمان در خاک شوروی متوقف و سپس شکست و عقب‌نشینی آنان آغاز شد. مقاومت مردم شوروی و جانبازی آنها در راه میهن نیز در این پیروزی نقش مؤثری داشت.



محاصره روسیه توسط ارتش هیتلر

۱- ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ م.

۲- Pearl Harbor

۳- اوت ۱۹۴۱ / شهریور ۱۳۲۰.

۴- به همین دلیل، متفقین به ایران لقب پل پیروزی دادند.

بیروزی در جبهه نرماندی

استالین بارها از متفقین خواسته بود که نیروهای خود را در ساحل فرانسه پیاده کنند تا فشار ارتش آلمان بر نیروهای شوروی کمتر شود؛ اما متفقین قبل از این کار، ابتدا نیروهای خود را در ساحل آفریقا پیاده کردند و نیروهای مشترک ایتالیا و آلمان را شکست دادند. نیروهای متفقین سپس در ساحل نرماندی در شمال فرانسه پیاده شدند و بعد از شکست خطوط دفاعی آلمان در فرانسه، پاریس را آزاد کردند. سپس ژنرال دوگل به رهبری حکومت موقت فرانسه رسید.

شکست آلمان و ژاپن

متفقین پس از آزاد کردن فرانسه، به مرزهای آلمان رسیدند. در جبهه شرقی اروپا نیز، ارتش شوروی به سمت برلین پیشروی کرد. نیروهای هر دو جبهه در کنار رود الب^۱ به هم رسیدند. هیتلر هنگامی که متوجه شد نیروهای روسی در یک کیلومتری محل اقامت او هستند، در ۳۰ آوریل ۱۹۴۵ خودکشی کرد. جانشین او، دریا سالار دونیتس^۲، به فرماندهان آلمان دستور داد تا تسلیم متفقین شوند.

در جبهه اقیانوس آرام، ژاپن (متحد آلمان) در حالی که بخش‌هایی از استرالیا و چین را تصرف کرده بود، با حمله نیروهای آمریکایی مواجه شد. در حالی که ژاپنی‌ها در آستانه تسلیم شدن بودند، آمریکایی‌ها در ماه اوت ۱۹۴۵ چندین بمب اتمی را بر سر ساکنان شهرهای هیروشیما^۳ و ناگازاکی^۴ فرو ریختند و صدها هزار نفر از ساکنان غیرنظامی و بی‌گناه این دو شهر را نابود کردند. پس از این واقعه، ژاپن نیز تسلیم شد و جنگ جهانی دوم پایان یافت.^۵

آثار و نتایج جنگ جهانی دوم

جنگی که به واسطه رقابت‌های استعماری و اندیشه و افکار فاشیستی و نژاد پرستانه دولتمردان اروپایی در گرفت، قریب شش سال جهان را در کام خود فرو برد؛ در نتیجه این جنگ افزون بر پنجاه میلیون نفر کشته شدند. بیشتر از نصف کشته‌شدگان را غیرنظامیان تشکیل می‌دادند. شمار زیادی نیز بر اثر پیامدهای اقتصادی و بهداشتی جنگ مانند قحطی، گرسنگی و شیوع بیماری‌های مسری، جان باختند. افزون بر آن، میلیون‌ها نفر مجروح، معلول و آواره شدند.

۱ - Elbe

۲ - Donitz

۳ - Hiroshima

۴ - Nagasaki

۵ - پیش از پایان جنگ جهانی، در ایتالیا شورشی روی داد. شورشیان به موسولینی دست یافتند و او را اعدام کردند. پس از حمله

متفقین به ایتالیا، پادشاه آن کشور در جنگ اعلام بی‌طرفی کرد.

جنگ جهانی دوم، ویرانی‌های اقتصادی عظیمی نیز در سراسر جهان به بار آورد، عمده منابع و مراکز تولید مناطق درگیر در جنگ نابود شد.



به نظر شما، علل شکست آلمان در جنگ جهانی دوم چه بود؟



بمب اتمی چگونه ساخته و به کار گرفته شد؟!

در سال ۱۹۳۸ م. دو تن از دانشمندان بزرگ فیزیک در آلمان به نام‌های **اتوهان**^۱ و **فریتس اشترازن**^۲ دریافتند که می‌توان از ماده‌ای به نام اورانیوم بمب اتمی ساخت. اینشتین که همکار آنها بود، از آلمان به آمریکا رفت و به روزولت رئیس‌جمهور آمریکا اطلاع داد که به زودی آلمان صاحب بمب اتمی خواهد شد. به دنبال این ماجرا، به دستور رئیس‌جمهور آمریکا دانشمندی به نام اوپن‌هایمر^۳ که قبلاً در دانشگاه‌های آلمان تحصیل کرده بود و با دو فیزیکدان فوق و نظریاتشان آشنایی کامل داشت، در قالب یک طرح سری به نام «مانهاتان»، شروع به کار کرد تا آن‌که توانست اولین بمب اتمی را در ژوئیه ۱۹۴۵ م. در نزدیک **نیومکزیکو** آزمایش کند. اوپن‌هایمر دو بمب اتمی دیگر نیز ساخت که ارتش آمریکا آنها را روی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی انداخت و این دو شهر را به کلی ویران کرد. گفتنی است آمریکایی‌ها در سال ۱۹۴۲ م. پایگاه‌های تحقیقاتی اتمی آلمان را بمباران کرده بودند.



هیروشیما پس از اصابت بمب اتمی آمریکا

۱- Otto hahn

۲- Fritz strassmann

۳- Oppenheimer

تأسیس سازمان ملل متحد

سران دولت‌های متفق در جریان کنفرانس‌های تهران، یالتا^۱ و پوتسدام^۲، ضمن مذاکره درباره آینده آلمان، تصمیم گرفتند با هدف تأمین صلح جهانی، سازمان ملل متحد را تأسیس کنند تا جانشین جامعه ملل سابق شود. بدین منظور، در جریان کنفرانسی در سانفرانسیسکو، نمایندگان ۵۰ کشور که علیه آلمان اعلان جنگ داده بودند، اساس‌نامه «منشور ملل متحد» را به تصویب رساندند و مرکز سازمان را نیز در نیویورک تعیین کردند. بدین ترتیب، سازمان ملل متحد تأسیس شد. این سازمان شامل مؤسساتی چون دبیرخانه، مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومت و دادگاه بین‌المللی است.

اولین موضوعی که در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح شد، شکایت ایران از شوروی در مورد خودداری آن کشور از تخلیه ایران بود.

پرسش‌های نمونه

- ۱- دلایل آغاز جنگ جهانی دوم را بیان کنید.
- ۲- فرانسه چگونه به تصرف آلمان درآمد؟
- ۳- چرا و چگونه آمریکا وارد جنگ جهانی دوم شد؟
- ۴- اروپا و آمریکا چه نقشی در شکست آلمان در جبهه شوروی داشتند؟
- ۵- به نظر شما، علت اصلی شکست آلمان در جنگ جهانی دوم چه بود؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره اوضاع ایران در زمان جنگ جهانی دوم مقاله‌ای تهیه کنید.
- ۲- درباره نقش شورای امنیت در روابط میان ملت‌ها، مقاله‌ای تهیه کنید. در مقاله خود با استفاده از بیانات امام خمینی (ره) به نقد جایگاه فعلی شورای امنیت بپردازید.

عصر جنگ سرد (۱۹۴۵-۱۹۸۹ م.)

مقدمه

در درس قبل با جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن آشنا شدید. پس از پایان این جنگ دوبلوک شرق (کمونیسم) و غرب (کاپیتالیسم) بار دیگر در برابر هم قرار گرفتند. آنها این بار، بدون درگیری نظامی، دسته‌بندی جدیدی را در جهان به وجود آوردند که مهم‌ترین ویژگی آن، رقابت‌های نظامی و هسته‌ای بود. در این درس با اوضاع جهان در این دوره که به عصر جنگ سرد معروف است، آشنا می‌شوید.

کنفرانس یالتا^۱ و سهم خواهی متفقین

حدود سه ماه پیش از پایان جنگ و در حالی که نشانه‌های شکست آلمان و متحدانش آشکار شده بود، سران دولت‌های متفق^۲ در یالتا گرد هم آمدند تا درباره آینده جهان و به‌ویژه سرنوشت آلمان مذاکره کنند. در این نشست توافق شد که آلمان خلع سلاح و از داشتن نیروی نظامی محروم گردد و هریک از دولت‌های متفق به علاوه فرانسه، بر بخشی از خاک آن کشور تسلط یابند.

در واقع کنفرانس یالتا رقابت زودهنگام فاتحان جنگ جهانی دوم برای سهم خواهی از غنائم جنگی و تقسیم جهان میان خود بود و سرآغازی بر بروز اختلاف میان متفقین و شکل‌گیری بلوک‌های متخاصم شرق و غرب شد. در این کنفرانس، روس‌ها خواهان محاکمه و اعدام تمامی سران و فرماندهان آلمانی و ژاپنی به عنوان جنایتکار جنگی بودند، اما آمریکا و انگلستان با این تقاضا مخالفت کردند و در نتیجه دادگاه نورنبرگ فقط تعدادی را به مرگ و شماری را به حبس محکوم کرد، عده‌ای نیز تبرئه شدند.

۱- شهری در شبه جزیره کریمه واقع در کشور کنونی اوکراین

۲- استالین رهبر شوروی، روزولت رئیس‌جمهور آمریکا و چرچیل نخست‌وزیر انگلستان



تحولات ارضی در اروپا پس از جنگ جهانی دوم

دوران جنگ سرد

جنگ سرد به حالتی از روابط دو یا چند کشور گفته می‌شود که در آن دو طرف در حال کشمکش و رقابت سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی (عقیدتی) و نظامی هستند و بدون آن که از طریق جنگ افزارهای نظامی با هم درگیر شوند، در جنگ روانی و تبلیغاتی با هم درگیرند.

در واقع جنگ سرد بعد از پایان جنگ جهانی دوم بین شوروی و کشورهای کمونیستی (بلوک شرق) از یک طرف و آمریکا و دولت‌های غربی (بلوک غرب) از طرف دیگر آغاز شد و تا انهدام دیوار برلین در ۱۹۸۹م. به طول انجامید. در طی این دوره، ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای، جنگ رادیویی، ایجاد بلوک بندی‌های نظامی علیه یکدیگر، مسابقه تسلیحاتی و سعی در ایجاد توازن وحشت بین قدرت‌های شرق و غرب همه در قالب جنگ سرد مطرح است.



دیوار برلین

در آخرین روزهای جنگ جهانی دوم، در جریان محاصره و اشغال برلین پایتخت آلمان توسط متفقین، شهر به دو قسمت تقسیم شد؛ بخشی را شوروی و بخش دیگر را کشورهای غربی اشغال کردند. سپس با تقسیم خاک آلمان، دو حکومت در آن کشور شکل گرفت؛ در بخش شرقی آن یک حکومت کمونیستی و طرفدار شوروی، و در بخش غربی جمهوری فدرال که طرفدار کشورهای غربی بود. شهر برلین هم با احداث دیوار به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد. در پی تحولات سال ۱۹۸۹م. دیوار برلین با ضربه چکش آلمان‌ها فرو ریخت و مقدمات یکپارچه شدن آلمان فراهم شد.

«طرح مارشال» و اصول چهارگانه ترومن

پس از جنگ جهانی دوم دولت آمریکا با استفاده از برتری اقتصادی، سردمداری کشورهای سرمایه‌داری را در رقابت با کشورهای کمونیستی عهده‌دار شد. از آنجا که، بیشتر، اروپای غربی در اثر جنگ خراب شده و آسیب دیده بود، آمریکا تصمیم گرفت از طریق کمک‌های مالی، این کشورها را به نحوی بازسازی و سپس آنها را وارد پیمان‌های نظامی ضد شوروی کند؛ بدین منظور، جرج مارشال وزیر خارجه آمریکا در زمان ریاست جمهوری «ترومن» طرحی را ارائه کرد که طبق آن، برای مقابله با نفوذ کمونیسم و همچنین بازسازی اروپا، به کشورهای اروپای غربی کمک‌های فنی و مالی پرداخت شود.

ترومن، رئیس جمهور آمریکا به منظور توسعه نفوذ و تحمیل سلطه آن کشور بر سایر کشورها، چهار برنامه مهم را به اجرا درآورد:

اصل اول: کمک به سازمان ملل و تقویت آن

اصل دوم: کمک اقتصادی به کشورهای جهان آزاد (غیر کمونیست)

اصل سوم: نیرومند ساختن ملل آزادی خواه (منظور جهان آزاد) در برابر نفوذ و گسترش کمونیسم

اصل چهارم: کمک به کشورهای کم رشد در زمینه های اقتصادی و فرهنگی برای جلوگیری

از نفوذ کمونیسم

اصل چهارم در کشورهای خاورمیانه اجرا شد، و بر اساس آن در زمینه های اقتصادی، بهداشتی و فرهنگی به کشورهای این منطقه کمک هایی صورت گرفت. برای اجرای این برنامه، در وزارت خارجه آمریکا، اداره ای به نام اداره خاور نزدیک تأسیس شد.

یک توضیح



پرده آهنین و پرده خیزران

پس از آن که شوروی کشورهای اروپای شرقی را از تسلط نازی ها رها کرد، خود آنها را به بند کشید و رژیم های دیکتاتوری کمونیستی را بر آنها مسلط کرد؛ به گونه ای که نه از جهان غیر کمونیست کسی می توانست وارد آنها شود و نه کسی از دنیای کمونیست، قادر به خروج و رفتن به جهان غیر کمونیست بود؛ گویی که استالین پرده ای آهنین به دور آنها کشیده بود؛ به همین دلیل، پس از جنگ جهانی دوم چرچیل در ضمن سفر به آمریکا با به کار بردن واژه «پرده آهنین»^۱ گفت که استالین به دور جهان کمونیست پرده ای از آهن کشیده است. بعدها روزنامه نگاران غربی در مورد مائو، رهبر سابق چین نیز اصطلاح «پرده خیزران»^۲ را به کار بردند. در واقع از سال ۱۹۴۹م، که انقلاب مائو تسه تنگ در چین به پیروزی رسید، مائو نیز، چون استالین، چنان در های چین را به روی جهان خارج بست که گویی به دور مرزهای این کشور، پرده خیزران کشیده اند (به علت آن که در شرق آسیا گیاه خیزران بسیار می روید).

۱- Iron Curtain

۲- Bambo Curtain

بلوک بندی‌های نظامی در دوره جنگ سرد

در سال ۱۹۴۹ م. دولت ایالات متحده آمریکا به همراه متحدانش از کشورهای اروپایی، پیمان ناتو^۱ را بنیان نهاد. پس از آن، پیمان «سیتو»^۲ (پیمان جنوب شرقی آسیا) و سپس پیمان «بغداد» با شرکت عراق، ایران، پاکستان، ترکیه، انگلستان و آمریکا شکل گرفت. بعدها عراق از این پیمان خارج شد و پیمان بغداد به پیمان «سنتو»^۳ تغییر نام داد. همه این پیمان‌ها با هدف محاصره نظامی شوروی و بلوک کمونیست یا بلوک شرق بود. در مقابل این گروه بندی‌ها، شوروی پیمان ورشو را با کشورهای اروپای شرقی ایجاد کرد.

در این میان کشورهایی نیز بودند که عضویت هیچ یک از بلوک بندی‌های نظامی شرق و غرب را قبول نکردند و به جنبش غیر متعهد معروف شدند. هدف کشورهای غیر متعهد مبارزه با هرگونه سلطه استعماری در جهان بود. پایه‌گذاران این جنبش جمال عبدالناصر از مصر، احمد سوکارنو از اندونزی و جواهر لعل نهرو از هندوستان بودند که در کنفرانس «باندونگ»^۴ در اندونزی، اصولی را که باید غیر متعهدا رعایت کنند، انتشار دادند. پس از مدتی مارشال تیتو – با آن که کمونیست بود، خود را از سلطه شوروی خلاص کرد – و فیدل کاسترو رهبر کوبا، نیز به این جنبش پیوستند.



ناصر رئیس‌جمهوری مصر (سمت راست) و نهرو نخست‌وزیر هند از پایه‌گذاران جنبش غیر متعهدا

۱- NATO = North Atlantic Treaty Organization

۲- SEATO = South East Asian Treaty Organization

۳- CENTO = Central Treaty Organization

مسئله خلع سلاح^۱

بعد از آن که دولت‌های آمریکا، شوروی، انگلستان و فرانسه به سلاح اتمی دست یافتند، ترس از پیش دستی یکی از قدرت‌ها علیه دیگری، آنها را بر آن داشت که به مسئله خلع سلاح هسته‌ای توجه کنند. آنها می‌دانستند مخارج مسابقه تسلیحاتی و موشکی برای آنها بسیار زیاد خواهد بود و در صورت وقوع یک جنگ اتمی دولت فاتحی وجود نخواهد داشت.

نخستین بار در سال ۱۹۶۳ م. کشورهای شوروی، آمریکا و انگلستان پیمان منع آزمایش‌های هسته‌ای - در زیر دریا، بالای جو و روی زمین - را امضا کردند. سپس ۹۸ کشور دیگر به این قرارداد پیوستند ولی آزمایش‌های زیرزمینی همچنان انجام می‌شد. بعد از سال ۱۹۶۹ م. که آمریکا توانست به کمک موشک بالستیک، انسانی را در کره ماه پیاده کند، شوروی و آمریکا مذاکرات محدود کردن و کاهش سلاح‌های استراتژیک (بین قاره‌ای نظامی) مانند موشک‌های بالستیک را آغاز کردند. این مذاکرات به نام‌های سالت (SALT)^۲ و استارت (START)^۳ شناخته و قراردادهای هر یک نیز طی چند مرحله منعقد شدند. در سال ۱۹۷۲ م. نیکسون و برژنف قرارداد سالت را امضا کردند. مذاکرات استارت نیز در چند مرحله بود که آخرین مرحله آن بین یلتسین و جرج بوش (پدر) در سال ۱۹۹۳ م. به امضا رسید.

یک توضیح



جنگ‌های هند و پاکستان و تولد بنگلادش

در سال ۱۹۴۷ م. در نتیجه مبارزات مردم هندوستان، کشور هند به رهبری گاندی و کشور پاکستان به رهبری محمدعلی جناح به استقلال دست یافتند. چنان‌که می‌دانید، قبلاً هند و پاکستان یک کشور را تشکیل می‌دادند. کشوری که هم‌اکنون بنگلادش نام دارد نیز، با نام «پاکستان شرقی» جزء پاکستان بود ولی مردم آن در اطاعت از حکام پاکستان غربی (پاکستان کنونی) اکره داشتند و گهگاهی شورش‌هایی برپا می‌کردند تا این‌که در سال ۱۹۷۱ م. مردم پاکستان شرقی به رهبری شیخ مجیب الرحمن علیه پاکستان غربی شوریدند. این شورش به استقلال پاکستان شرقی و تولد کشور جدیدی به نام بنگلادش منجر شد. از طرفی، هند و پاکستان یک بار در سال ۱۹۴۸ م. و بار دیگر در سال ۱۹۶۵ م. بر سر موضوع کشمیر با یکدیگر به جنگ پرداختند. این اختلافات هنوز ادامه دارد.

۱- Disarmament

۲- SALT = Strategic Arms Limitation Talks

۳- START = Strategic Arms Reduction Talks

(گفت‌وگوهای محدود کردن سلاح‌های استراتژیک)

(گفت‌وگوهای کاهش سلاح‌های استراتژیک)

فلسطین

سرزمین فلسطین پیش از جنگ جهانی اول، جزئی از قلمرو امپراتوری عثمانی بود. در سال ۱۹۱۷م. وزارت خارجه انگلستان در اعلامیه بالفور، با نظر صهیونیست‌ها^۱ موافقت کرد. امپراتوری عثمانی و مسلمانان فلسطین با این اعلامیه مخالفت کردند، اما نتوانستند اقدام مؤثری در این زمینه انجام دهند. جامعه ملل در سال ۱۹۲۰م. قیمومت فلسطین را به انگلستان واگذار کرد. با حمایت انگلستان و صهیونیسم جهانی، مهاجرت گسترده یهودیان به سرزمین فلسطین آغاز شد و تا سال‌ها ادامه یافت. با استقرار یهودیان، زد و خوردهایی بین مسلمانان و یهودیان روی داد، اما حمایت انگلستان از یهودیان موجب شکست مقاومت فلسطینی‌ها از جمله شکست قیام شیخ عزالدین قسام شد.

پس از جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۷م. شورای امنیت سازمان ملل متحد، به تقسیم سرزمین فلسطین بین مسلمانان و یهودیان رأی داد و بدین ترتیب دولت غاصب اسرائیل تشکیل شد. از آن پس جنگ‌هایی بین اسرائیل و کشورهای عربی، که به حمایت فلسطینی‌ها برخاسته بودند، درگرفت.^۲ در طی این جنگ‌ها، نیروهای اسرائیلی با حمایت کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا و انگلستان، اعراب را شکست دادند و بخش‌هایی از مصر، سوریه و اردن را اشغال کردند.

حدود ۳۰ سال پس از تشکیل حکومت غاصب اسرائیل، سازش برخی رهبران کشورهای عربی با اسرائیل آغاز شد. انور سادات، رئیس‌جمهور مصر با وساطت جیمی کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا، پیمان کمپ دیوید را امضا و با اسرائیل صلح کرد. یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین نیز به تشویق ملک حسین پادشاه اردن، به تدریج با اسرائیل سازش کرد و سرانجام در کنفرانس اسلو^۳ موجودیت اسرائیل را رسماً پذیرفت. یاسر عرفات پس از این سازش، نوار غزه و کرانه غربی رود اردن را به عنوان قلمرو حکومت خودگردان فلسطین در اختیار گرفت. او خواهان آن بود که بیت‌المقدس به عنوان پایتخت حکومت فلسطین در اختیار حکومت خودگردان قرار گیرد، اما اسرائیل با آن موافقت نکرد. با وجود این سازش‌ها، قیام مردم فلسطین علیه اسرائیل، که انتفاضه^۴ نامیده می‌شود، اسرائیل را

۱- صهیونیسم (Zionism)، اندیشه‌ای است که مهاجرت همه یهودیان جهان را به فلسطین در اطراف کوه صهیون، برای تشکیل یک دولت توصیه می‌کند و برای اکثریت مسلمانان ساکن آنجا حقوقی قائل نیست.

۲- جنگ ۱۹۵۶م.، جنگ شش روزه ۱۹۶۷م. و جنگ اکتبر ۱۹۷۳.

۳- ۱۹۹۳م.

۴- به قیام مردمی و سراسری مردم فلسطین که از سال ۱۹۸۷م. شروع شده است، انتفاضه می‌گویند. انتفاضه از لحاظ معنایی، معنی

قیام علیه رخوت و رکود، و مرحله قبل از انقلاب است.



آیا می‌دانید این تصویر مربوط به چیست؟



«انتفاضه» جلوهٔ امید و ایمان جوانان فلسطینی

در مانده کرده و موجب شده که توافق‌های عرفات و اسرائیل به نتیجهٔ قطعی، نرسد. اسرائیل غاصب با حملات و وحشیانهٔ خود، که به شهادت زنان و کودکان بی‌دفاع فلسطینی منجر شده می‌کوشد که انتفاضه را خاموش کند؛ اما در سال‌های اخیر که بیداری اسلامی رو به گسترش نهاده، اسرائیل ناکام مانده است و روز به روز در منطقه منزوی‌تر می‌شود.



فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، با وجود مخالفت‌های جدی فلسطینیان با مذاکرات سازش، سرنوشت

فلسطین چه خواهد شد؟

بحران در جهان کمونیست

باروی کار آمدن گورباچف در شوروی^۱، تحولات زیادی در شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی ایجاد شد. گورباچف بر این نیت بود که با سیاست‌هایی چون «گلاسنوست»^۲ (آزادی سیاسی) و «پروستریکا»^۳ (اصلاحات اقتصادی) وارد عمل شود ولی اقتصاد شوروی آن قدر بیمار بود که این سیاست‌ها نتوانست

۲- Glasnost

۳- Perestorika

شوروی را نجات دهد. گورباچف ضمن آزاد گذاشتن مالکیت خصوصی به طور محدود، گامی به جلو برداشت ولی نتیجه معکوس دید. کشورهای غربی هم که او را تشویق به این کار می کردند، به او کمکی نکردند تا آن که گورباچف تصمیم گرفت کشورهای اروپای شرقی را به حال خود رها سازد و بار سنگینی را که بر دوش شوروی بود، سبک تر سازد؛ همچنین، جمهوری های داخلی اتحاد جماهیر شوروی در آسیای مرکزی و قفقاز را نیز به حال خود گذاشت تا مستقل شوند. گورباچف در سال ۱۹۸۹م. به رؤسای کشورهای کمونیست دستور داد استعفا کنند و ملت های اروپای شرقی را در پذیرش رژیم دلخواه خود آزاد گذارند؛ بدین ترتیب، همه رهبران اروپای شرقی کنار رفتند و کشورهاشان به دست ضد کمونیست ها افتاد^۱ و در داخل مرزهای اتحاد شوروی نیز کشورهای جدیدی متولد شدند. بدین ترتیب، اتحاد شوروی از هم فرو پاشید و جمهوری های واقع در قفقاز و آسیای مرکزی از آن جدا و به کشورهایی مستقل تبدیل شدند. به دنبال فروپاشی شوروی، در یوگسلاوی نیز نهضت های ناسیونالیستی به پاشد که به جدایی جمهوری های آن از یکدیگر منجر شد.

گورباچف، در نتیجه اعمال این سیاست ها، در داخل کشورش دچار طغیان یلتسین شد. یلتسین اصرار داشت که چون گورباچف در سیاست های خود شکست خورده است، باید استعفا دهد. لذا در شب ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ گورباچف استعفا کرد.



گورباچف (سمت چپ) رئیس جمهور روسیه در ملاقات با هلموت کُهل صدراعظم آلمان

۱- فقط چاوشسکو، رهبر رومانی، مقاومت کرد که در اثر قیام مردم و ارتش در ۱۹۸۹م. دستگیر و اعدام شد.

بیشتر بدانیم

پیام تاریخی حضرت امام خمینی (ره) به گورباچف

روز ۱۱ دی ماه ۱۳۶۷، حضرت امام خمینی (ره) پیام مهم و تاریخی خود را خطاب به گورباچف رهبر شوروی سابق صادر کردند. نامه تاریخی امام (ره) در شرایطی خطاب به گورباچف نگاشته شده بود که تحلیل گران سیاسی نظاره گر تجدید نظرطلبی و آغاز تحولات دنیای کمونیسم بودند، ولی قادر به اظهارنظر در این باره نبودند. بخش‌هایی از آن نامه نقل می‌شود:

«... جناب آقای گورباچف باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و یا خواهد کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است. جناب آقای گورباچف، برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جست‌وجو کرد؛ چراکه مارکسیسم جو ابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است مادی، و با مادیت نمی‌توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت، که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است، به درآورد... از شما جداً می‌خواهم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم، گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ نشوید. امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید که آخرین لایه‌های پوسیده هفتاد سال کژی جهان کمونیسم را از چهره تاریخ و کشور خود بزدايید».

پرسش‌های نمونه

- ۱- هدف از تشکیل کنفرانس یالتا چه بود؟
- ۲- جنگ سرد را تعریف کنید.
- ۳- پایه گذاران جنبش غیرمتعهدها به دنبال چه اهدافی بودند؟
- ۴- موضوع قراردادهای سالت و استارت چه بود؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- در مورد اقداماتی که براساس اصل چهار در ایران انجام گرفت، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- فهرستی از سازمان‌های مخالف صهیونیست‌ها در لبنان و فلسطین با مختصری از فعالیت‌ها و اقدامات آنان تهیه کنید.